

۱۹۲۱ در مجلة ألمانی *Annalen - der Naturphilosophie* و با نام ألمانی *Logisch - Philosophische Abhandlung* چاپ رسید. ترجمه انگلیسی آن با مقدمه‌ای از برتراند راسل در ۱۹۲۲ منتشر شد. در زبان فارسی دو ترجمه از این اثر بر اساس متن اصلی ألمانی چاپ شده است، یکی در ۱۳۶۹ از دکتر محمود عبادیان، دیگری در ۱۳۷۱ از دکتر میرشمس‌الدین ادیب سلطانی. اثری که نشانی از وضع انتقالی بین دوره اول و دوم فلسفه ویتگنشتاین دارد، *Lecture on Ethics*، سخنرانی او در ۱۹۲۹ در دانشگاه کمبریج است که به انگلیسی ایراد شده و نخست در ۱۹۶۵ در نشریه *Philosophical Review* به چاپ رسیده است. ترجمه فارسی این سخنرانی به قلم آقای مالک حسینی در مجلة ارغنون، شماره ۱۶، تحت عنوان «خطابه‌ای در باب اخلاق» منتشر شده است.

5. *Tractatus Logica - Philosophicus*, 6.53.

6. *Ibid*, 6.5.

۷. *Philosophischen Untersu Chungen*، الیزابت گرتزود انسکام آن را با عنوان *Philosophical Investigations* در ۱۹۵۳ (دو سال پس از مرگ ویتگنشتاین) ترجمه و چاپ کرد. این اثر به فارسی ترجمه نشده است. از آثار دوره دوم فکر ویتگنشتاین، بخشهایی از کتاب *Culture and Value* با عنوان «تأملاتی در باب فرهنگ و هنر و ادبیات» یا ترجمه آقای حسین یابنده در مجلة ارغنون، شماره ۷ و ۸، به چاپ رسیده است. این اثر بصورت دوزبانه (آلمانی - انگلیسی) با ترجمه پیترو وینچ و ویراستاری فون رایت در ۱۹۸۰ در آکسفورد چاپ شد. همچنین *Bemerkungen über die Farben* با ترجمه خاتم لیلی گلستان از متن فرانسه، و با عنوان در باره رنگها در ۱۳۷۱ (نشر مرکز) منتشر شده است. اصل آلمانی کتاب در ۱۹۷۷ در آکسفورد به همراه ترجمه انگلیسی آن با عنوان *Remarks on Colour* و در ۱۹۱۴ در فرانکفورت به چاپ رسید.

۸. محمدعلی فروغی، *سیر حکمت در اروپا*، تهران،

۱۳۷۵، ص ۱۸۶.

9. Anders Wedberg, *A History of Philosophy*, Vol 3. tr. Bergljot Wedberg oxford 1984, pp 334-336.

10. Peter D. Klein, "Certainty", in *a Companion to Epistemology*, ed Jonathan Dancy & Ernest Sosa, Oxford, 1997.

فلان چیز دانا باشد یا به فلان چیز چهل داشته باشد؛ هنر ذهن آنجاست که در این علم و چهل تسلسل می‌آورد و ممکن می‌کند که به علم و چهل نیز علم یا چهل داشته باشیم و به خود این علم یا چهل نیز، و این رشته تا بی‌نهایت می‌رود. شک ورزیدن اعلام چهل است و البته در هر علمی می‌توان «منطقاً» از امکان چهل سخن گفت و آن تسلسل را در کار آورد. اما بیکرانگی امکان عقلی یک امر است و ضرورت علم یقینی امری دیگر. چه بسا هر نظریه‌ای که با توسل به «امکان» شک، از نسبی بودن مطلق شناخت دفاع می‌کند، گرفتار خلطی از این دست باشد.

در هر حال میدان بحث در این موضوع فراخ است و دلایل له و علیه رأی ویتگنشتاین، فراوان. طالبان تأمل در این باره، ناگزیر باید به سخنان خود وی رجوع کنند و متن این فیلسوف را به گفتگو وادارند.

یادداشت‌های ویتگنشتاین درباره یقین با عنوان اصلی *Über Gewissheit* و عنوان انگلیسی *On Certainty* در ترجمه انسکام و پاؤل، در ۱۹۶۹ منتشر شده است. خوشبختانه ترجمه فارسی متینی از این اثر بر اساس متن آلمانی - انگلیسی به قلم آقای مالک حسینی منتشر شده و این امکان فراهم آمده است تا خوانندگان فارسی‌زبان، نکته‌سنجی‌های هوشمندانه و تدقیق‌های فیلسوفانه ویتگنشتاین در این موضوع را بنگرند و به زبان مادری خود درباره آن بیندیشند.

یادداشتها:

۱. لودویگ ویتگنشتاین در باب یقین، شماره ۴۰۲، ترجمه مالک حسینی، نشر هرمس ۱۳۷۹.
۲. جرج ادوارد مور، «برهان عالم خارج»، ترجمه منوچهر بدیعی، در ارغنون، شماره ۷ و ۸، ص ۱۲۳-۱۴۷.
۳. ویتگنشتاین، همان، شماره ۱.
۴. *Tractatus Logico - Philosophicus*، نخست در

روزنه‌ای به کجا؟!!

روزنه‌ای به روشنی

به انتخاب حمید رضا باقرزاده بیوکی

انتشارات هیرمند، چاپ اول، ۱۳۷۹



در یک نگاه

روزنه‌ای به روشنی از کتابهایی است که به تازگی منتشر شده، و موضوع آن بنا به آنچه روی جلد کتاب آمده «شعر اجتماعی ایران در قرن بیستم» است. هر چند بنا به ساخت و سازی که کتاب دارد به نظر می‌رسد بیشتر از اینکه شعر اجتماعی ایران باشد، شعر «شاعران اجتماعی‌گو» است.

کتاب روزنه‌ای به روشنی به عنوان پیشگفتار، مقاله‌ای چهل و دو صفحه‌ای از خانلری دارد. این مقاله در سال ۱۳۴۱ نوشته شده و برای اولین بار در سال ۱۳۴۲ در مجله سخن به چاپ رسید. و عجیب است اگر ما به عنوان پژوهشگر بعد از نزدیک به چهل سال حرفی بیشتر از آن مقاله نداشته باشیم، بویژه که این چهل سال و شاعران آن خود از موضوع تحقیق باشد!

بعد از مقاله خانلری که به جای پیشگفتار کتاب آمده، شرح حال چهل و چهار شاعر با نمونه‌هایی از اشعار آنها نقل شده است. اولین شاعر محمد تقی ملک‌الشعرا بهار است. شرح حال بهار بدون

ادامه در صفحه ۳۱

مجدد مثل وزن در موسیقی و انگاره در نقاشی نیازمند است. چون ادبیات با این همانی بین جهان بشری و جهان طبیعی پیرامون آن و یافتن وجوه تشابه میان آنها سر و کار دارد، خدایان و قهرمانان اساطیر قدیم رنگ می‌بازند و مردمانی چون ما جایگزین آنان می‌شوند. کافی است به نمادها و صور خیالی که یک نویسنده به کار می‌گیرد توجه کنیم تا دریابیم در پس تمام پیچیدگی‌های زندگی بشری هنوز همان نگاه خیره به طبیعتی بیگانه با ماست و هنوز مسئله فایق آمدن بر آن پیش رویمان است.

فرای معتقد است هیچ جامعه بشری آن قدر ابتدایی نیست که فاقد نوعی از ادبیات باشد. منتها ادبیات بدوی هنوز از جنبه‌های دیگر زندگی متمایز نشده است و در بطن مذهب، جادو و آیین‌های اجتماعی مستتر است. بیان ادبی در واقع از درون جنبه‌های معمول زندگی شکل می‌پذیرد و چارچوبی تخیلی به وجود می‌آورد. داستان‌هایی درباره ارباب انواع گفته می‌شود و علم اساطیر به وجود می‌آید. ارباب انواع صفاتی بارز کسب می‌کنند. یکی رب‌النوع مجلی، یکی رب‌النوع لافزن و... همین انواع شخصیت‌ها به افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه و به موازات تکامل ادبیات به رمان وارد می‌شوند. مناسک دینی و رقص و شکل نمایشی به خود می‌گیرند و بالاخره درام به صورت هنری مستقل ظهور می‌کند. سروده‌های رزمی، مرثیه، سرود، لالایی و... به صورت اشکال سنتی ادبی درمی‌آیند.

بنابراین می‌بینیم که فرای برای هر یک از انواع ادبیات نسب نام‌های قابل است که می‌توان جریان تطور آن را تا زمان‌های قدیم دنبال کرد.

مثلاً داستان یافتن موسای نوزاد در کتب مقدس که تولد اسرارآمیز قهرمان است، قبلاً در مورد یکی از شاهان بین‌النهرین و همچنین در یک افسانه یونانی نقل شده است. سپس با نمایش نامه «ایان» اثر اورپید به ادبیات وارد می‌شود و توسط کم‌دی‌نویسان دیگر به کار گرفته می‌شود تا این که به صورت شیوه‌ای در رمان درمی‌آید و در تام جونز و الیور توئیست و... ظاهر می‌شود. فرای در کتاب تخیل فرهیخته می‌نویسد: «اگر

داستان‌های رایج در مجلات مخصوص زنان را می‌خوانید، داستان «سیندرلا» است که یکی بعد از دیگری تکرار می‌شود. در رمان‌های هیجان‌انگیز داستان‌های ریش‌آبی است که تکرار می‌شود و...

در مورد آفرینش آدم‌های داستان هم وضع همین‌طور است. خدایان نیرنگ‌باز و لافزن در اساطیر باستان و داستان‌های عامیانه قدیم از همان نوع آدم‌های داستانی هستند که در آثار فاکنر و تنسی ویلیامز ظاهر می‌شوند و...»

فرای می‌گوید منظورم این نیست که چیز تازه‌ای در ادبیات وجود ندارد. بلکه هر اثر ادبی در عین ادامه نسب نامه کهن خود، دارای فردیتی واقعاً منحصر به فرد است...

واضح است که نقد اسطوره‌های خالی از نقاط ابهام و برخی محدودیت‌ها به خصوص یک سویه‌نگری نیست. چنانکه ادبیات را به گونه‌ای ابزاری می‌نگرد و گاه زیبایی شناختی متون ادبی مقهور انتقال نمادها و پیام‌های اسطوره‌های می‌شود. قطعاً این شیوه نقد در کنار سایر رویکردهای نقد ادبی ما در تدقیق داوروی آثار ادبی یاری‌گر تواند بود.

منابع:

- ۱- تخیل فرهیخته، فرای، نور تروپ، سعید ارباب شیرانی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳.
- ۲- چشم‌اندازهای اسطوره، الیاده، میرچاد، جلال ستاری، انتشارات توس، تهران، ۶۲.
- ۳- ریخت‌شناسی قصه‌های عامیانه، پراب، ولادیمیر، فریدون بدره‌ای، توس، ۱۳۶۸.
- ۴- ساختار و تأویل متن، احمدی، بابک، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۰.
- ۵- قدرت اسطوره، کمل، جوزف، عباس مخبر، نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- ۶- تحلیل نقد، فرای، نور تروپ، صالح حبیبی، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۷.
- ۷- مبانی نقد ادبی، گرین ویلفرد و... فرزانه طاهری، نشر نیلوفر، تهران، ۱۳۷۶.

روزنه‌ای به کجا؟!

ادامه صفحه ۹

ذکر مأخذ مو به مو از کتاب شعری که زندگی است به کوشش سعید نیاز کرمانی است، و جالب تر اینکه هشت شعری هم که به عنوان نمونه اشعار بهار آورده شده، دقیقاً و به ترتیب همان هشت شعری است که در کتاب شعری که زندگی است به عنوان نمونه اشعار بهار آورده شده است!

دومین شاعر ایرج میرزا است. شرح حال وی باز مو به مو و بدون مأخذ آمده، اما این بار از کتاب شعر فارسی از آغاز تا امروز نوشته پروین شکبیا برداشته شده است. بعد چهار شعر به عنوان نمونه اشعار ایرج میرزا آورده شده که باز دقیقاً و به ترتیب همان چهار شعری است که در کتاب شعری که زندگی است به عنوان نمونه اشعار ایرج میرزا آورده شده است!

سومین شاعر عارف قزوینی است. شرح حال وی باز مو به مو بدون ذکر مأخذ از کتاب پروین شکبیا برداشته شده سپس دو شعر به عنوان نمونه اشعار عارف آورده شده که از جمله چهار شعری است که نیاز کرمانی در کتاب شعری که زندگی است به نقل از عارف آورده است.

چهارمین شاعر فرخی یزدی است که هم شرح حال وی و هم نمونه اشعار عیناً و به ترتیب همان است که در کتاب نیاز کرمانی آمده است...

فکر می‌کنم به نمونه‌های دیگری احتیاج نباشد. مولف روزنه‌ای به روشنی به علاوه کتابهایی که ذکر شد، چند اثر تالیفی مشابه دیگر مانند: عاشقانه‌ها/ نیاز یعقوب شاهی، روشن تر از خاموشی / مرتضی کاخی، از پنجره‌های زندگانی / محمد عظیمی، شکفتن‌ها و رستن‌ها / فریدون مشیری، چون سیوی تشنه / محمدجعفر یاحقی و غیره را در اختیار داشته و در پرداختن به هر شاعری شرح حال و نمونه اشعارش را از این کتابها برداشته است. بدین ترتیب کتابی گرد آمده که مقدمه، شرح احوال و انتخاب اشعار — هیچ‌کدامش سگار گردآورنده نبوده است.

رتال جامع علوم انسانی

فرزانه خونگرم لاکه